

نقش حکومت آل بویه در توسعه فرهنگ شیعی

قهرمان جلیلیان^۱

چکیده

آل بویه که از شمال ایران برخاسته بودند، توانستند اولین حکومت مستقل شیعی را در بخش های وسیعی از ایران و عراق تأسیس نموده و بر دستگاه خلافت عباسی مسلط شوند. آن ها از توسعه و ترویج فرهنگ شیعه حمایت می کردند، شیعیان با حمایت آن ها، مراسم سوگواری امام حسین(ع) در روز عاشورا و جشن غدیر خم را به صورت رسمی و آشکار برگزار می نمودند. آل بویه، مراقد مطهر ائمه(ع) را بازسازی و زمینه ی حضور زوار را فراهم کردند. در آن دوران، اذان شیعی رواج پیدا کرد و نقابت علویان احیاء گردید. بنابراین در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه ای به نقش حکومت آل بویه در توسعه فرهنگ شیعی پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: آل بویه، عاشورا، تشیع، خلافت عباسی

۱- کارشناسی ارشد تاریخ تشیع پیام نور مرکز

دریافت مقاله: ۹۲/۰۳/۰۳ پذیرش مقاله: ۹۲/۰۵/۰۱

مقدمه

در قرن چهارم هجری که جنبش‌های بزرگ مردان شیعی و ضعف دستگاه خلافت عباسی باعث روی کار آمدن حکومت‌های شیعی مختلفی مانند فاطمیان در افریقا و حمدانیان در شام و عراق گردید، آل بویه نیز توانستند حکومتی مستقل و شیعی تأسیس نمایند که بیش از یک قرن به عنوان مبلغ و مروج فرهنگ شیعی امامیه تداوم پیدا کند. بنابراین برای اولین بار یکی از سلسله‌های اسلامی ایران با مذهب تشیع، بین‌النهرین را تحت سلطه خود درآورد و پس از سه قرن، آزادی مذهبی را به شیعیان هدیه نمود. آن چه آل بویه را در تاریخ ایران و اسلام مشهور و محبوب نمود، حمایت آنان از شیعیان امامیه و تلاش در جهت ترویج و توسعه‌ی فرهنگ شیعی بود، کاری که تا آن روزگار و حتی تا قرن‌های بعد هم انجام نشده بود.

چگونگی قدرت‌گیری آل بویه

دولت آل بویه برجسته‌ترین دولت شیعی و ایرانی بود که در حدود ۱۲۷ سال بر بخش بزرگی از ایران و عراق تا مرزهای شام فرمان می‌راندند. بویه پسر فنا خسرو که در دیلم زندگی می‌کرد سه پسر داشت که هر سه بعداً توانستند به سلطنت برسند به نامهای علی (عمادالدوله)، حسن (رکن‌الدوله) و احمد (معزالدوله) این سه تن پس از تحمل سختیها و کوشش‌های فراوان به ترقی و پیشرفت فوق‌العاده رسیدند بویه گفته ابن ابی‌الحدید چنان سلطنتی تشکیل دادند که در عظمت و شکوه ضرب‌المثل بود علی و برادرش حسن ابتدا در خدمت مرداویج بودند و علی از سوی مرداویج مدتی حاکم شهر کرج شد که پس از کشته شدن مرداویج پسران بویه هر کدام قسمتی از ایران را تصرف کردند و توانستند سلسله مستقلی تشکیل دهند و حتی خلافت عباسی که تا قبل از روی کار آمدن آنها دارای قدرت مادی و معنوی فراوانی بودند و همه جهان اسلام را تحت حاکمیت خویش داشتند را نیز مطیع خویش نمودند و برای نخستین بار امرای آل بویه خلفای عباسی را منصوب و معزول می‌کردند و تا این زمان که شیعیان در تنگنا شدید بودند با حمایت امری شیعه مذهب آل بویه توانستند آزادی‌های زیادی بدست آورند و در توسعه

نقش حکومت آل بویه در توسعه فرهنگ شیعی ۱۲۱

و ترویج شعائر شیعی تلاش و کوشش خود را با فراغ بال بیشتری انجام دهند.
(فقیهی، ۱۳۸۳: ۲۵-۱۷)

نقش آل بویه در ترویج فرهنگ شیعی

قبل از آل بویه، شعارهای شیعه علنی نبود و به ندرت اتفاق می افتاد که شیعیان بتوانند شعارهای خود را به صورت آشکار انجام دهند. زیرا حکومت سنی مذهب عباسیان و قبل از آن امویان از این کار به شدت جلوگیری می کردند. از زمان قدرت گیری امرای آل بویه و تسلط ایشان بر بغداد و از میان بردن اختیارات خلیفه، شعارهای شیعه کم و بیش علنی شد و تا پایان عمر این حکومت شیعی تداوم داشت، هرچند گاهی هم از آن جلوگیری به عمل می آمد. اکنون به چند مورد از اقداماتی که حکومت آل بویه در راستای ترویج فرهنگ تشیع انجام دادند اشاراتی می شود.

۱) شیعیان پس از ورود آل بویه به بغداد، آزادی عمل بسیار یافته بودند و معزالدوله شعارهای شیعیان را در بغداد برقرار نمود. آن گونه که ابن اثیر می نویسد، در سال ۳۵۱ق. شیعیان بغداد به دستور معزالدوله بر دیواره ی مساجد این شهر چنین نوشتند: «لعن الله معاویه بن ابی سفیان و لعن من غصب فاطمه - رضی الله عنها - فداکاً و من منع آن یدفن الحسن عند قبر جده و من نفی اباذر الغفاری و من أخرج العباس من الشوری». (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۵۰۸۵/۱۲)

این شعار که به خوبی از تشیع معزالدوله حکایت می کند باعث مخالفت اهل سنت گردید و طولی نکشید که در شب هنگام، عده ای از اهل سنت این شعارها را پاک کردند و چون معزالدوله خواست دوباره دستور به نوشتن این جملات بدهد، وزیرش مهلبی که به قول مفیزالله کبیر، مردی حکیم و منطقی بود (کبیر، ۱۳۸۱: ۳۱۱) به منظور جلوگیری از برخورد میان شیعه و سنی، پیشنهاد کرد حد فاصلی اتخاذ گردد و شعارها نرم تر و ملایم تر گردد، بدین معنا که گفته شود لعنت خدا بر آن کس که خاندان رسول الله را آزار داد و جز در مورد معاویه، نام شخص دیگری ذکر نشود این جوی هم این مطلب پذیرفته است. (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۷/۷)

۲) مهم‌ترین شعار مذهبی شیعه که خلفای عباسی به خصوص متوکل، شدیداً با آن مخالفت می‌کرد، مراسم سوگواری در روز عاشورا بود (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۳۷/۱۱) که معزالدوله در سال ۳۵۲ق دستور داد شیعیان جمع شوند و مراسم عزاداری روز عاشورا را آشکار سازند. در آن روز بازارها تعطیل می‌شد و شیعیان به صورت دسته جمعی به عزاداری می‌پرداختند، خرید و فروش متوقف می‌گردید، قصابان ذبح نمی‌کردند، آشپزها از پختن طعام دست می‌کشیدند، سقاها از انجام کار منع می‌شدند، در بازار خیمه‌ها می‌افراشتند، مردم به نوحه و عزاداری می‌پرداختند و زنان موی پریشان و چهره سیاه نموده در شهر حرکت می‌کردند و مردم به یاد حسین بن علی (ع) تپانچه می‌نواختند. (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۵۰۹۱/۱۲)

مراسم سوگواری امام حسین (ع) در روز عاشورا تا اواخر حکومت آل بویه، کم و بیش برپا می‌شد و اگر روز عاشورا با عید نوروز یا مهرگان مصادف می‌گردید، انجام مراسم عید یک روز به تأخیر می‌افتاد. از جمله در سال ۳۹۸ق که روز عاشورا با عید مهرگان همزمان بود، مراسم عید را به تأخیر انداختند و مراسم سوگواری امام حسین (ع) را برگزار نمودند. (فقیهی، ۱۳۶۶: ۴۶۷)

امرای بویه با آشکار کردن مراسم روز عاشورا، گام مهمی در ترویج و گسترش تشیع برداشتند و چون در این ایام، شیعه از حالت تقیه بیرون آمده بود لذا با آسودگی خیال به ترویج فرهنگ شیعی اقدام می‌نمود. مراسم عاشورا در حقیقت بیانگر مظلومیت خاندان پیامبر (ص) و اعلام ایده‌های دینی امام حسین (ع) به مردم بود و چنین به نظر می‌رسد که بویهیان در رسمیت بخشیدن به مراسم عاشورا، از فاطمیان پیش قدم بودند. (ابن تغری بردی، بی تا: ۱۲۶/۶)

به استناد کاهن، معزالدوله شاید تحت تأثیر آیین‌های دیلمیان، عزاداری روز عاشورا را آشکارا برپا کرد. (کاهن، ۱۳۸۴: ۱۵) سیدظهرالدین مرعشی هم به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید: «رسم دیلمی‌ها در سوگواری، برسینه کوبیدن و نمدسیاه از گردن آویختن است». (مرعشی، بی تا: ۲۲۳) لذا می‌توان احتمال داد که در آن روزها به رسم دیلم برسینه

می‌کوبیدند که اکنون نیز در مراسم عاشورا معمول است.

۳) آل بویه بعد از غلبه بر بغداد به شیعیان دستور دادند تا مراسم جشن غدیر را با شعف و شادی برگزار نمایند.

در این روز، مردم با افراشتن خیمه‌های آراسته به پارچه‌های زیبا و آراستن خود، به شادمانی پرداخته و با آتش افروزی (که احتمالاً برگرفته از آداب و رسوم کهن ایرانی باشد) این عید بزرگ را گرامی می‌داشتند، مردم نیز سحرگاهان، شتر قربانی کرده و به زیارت مقابر قریش می‌رفتند. (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۶/۷) به گفته ی ابن اثیر، «آن روز بسی دیدنی بود». (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۵۰۹۲/۱۲) جشن غدیر برای اولین بار در طول تاریخ اسلام در این سال در بغداد مرکز سنیان مؤمن و معتقد برگزار گردید.

برگزاری مراسم عزاداری عاشورا و جشن غدیر در بغداد در سال‌های بعد از معزالدوله و در زمان حکومت عزالدوله نیز ادامه داشت. مخالفان شیعه در این سال‌ها آرام نگرفتند و اقدام به درگیری با شیعیان می‌نمودند.

۴) امرای آل بویه هم چنین برای نشان دادن ارادت خود به ائمه (ع) و تبلیغ و ترویج مذهب تشیع، اقدام به تعمیر و تجدید بنای مشاهد متبرکه می‌نمودند. عضدالدوله در این کار بیش از دیگر امرای بویهی موفق بود.

عضدالدوله، مرقد مطهر امام حسین (ع) و سلمان فارسی را بازسازی کرد (مستوفی، ۱۳۳۹: ۴۱۵) و دو گنبد بر روی آن ساخت. وی هم چنین بر روی قبر امیرمؤمنان علی (ع) بنایی بسیار نیکو ساخت که تا سال ۷۵۳ ق برپا بوده است. (ابن زهره، ۳۸۲: ۱۶۱) به گفته مستوفی: «مشهد امام کاظم (ع) را ایشان (آل بویه) ساختند». (مستوفی، ۱۳۳۹: ۲۰۲) آملی هم به بازسازی مراقد مطهر امام جواد (ع) و امام حسن عسگری (ع) توسط عضدالدوله اشاره نموده است. (آملی، ۱۳۴۸: ۷۷)

مقدسی هم در احسن التقاسیم آورده که عماد الدین ابوکالیجار دستور داد تا ساختمان مزار امام رضا (ع) را در طوس بسازند. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۳۲/۲)

زیارت مرقد مطهر ائمه اطهار (ع) نیز یکی از بهترین شعارهای مذهبی شیعه بود که آل بویه

برای توسعه فرهنگ شیعه انجام می دادند. زیارت قبور امامان شیعه به خصوص مرقد مطهر امام حسین (ع) پیش از به قدرت رسیدن آل بویه به آسانی صورت نمی گرفت و همواره کاروان های زیارتی با خطرهای مالی و جانی از طرف حاکمان سنی مذهب روبه رو بودند، زیرا حنابله پیروان بر بهاری با زیارت قبور ائمه به خصوص مرقد مطهر امام حسین (ع) مخالفت می کردند.

عضد الدوله، عزّ الدوله بختیار، ابوالکلیجار و جلال الدوله بارها به زیارت مرقد مطهر امیر مؤمنان علی (ع)، امام حسین (ع)، امام موسی کاظم (ع) و امام محمد تقی (ع) به نجف، کربلا و کاظمین می رفتند. (همدانی، ۱۹۶۱: ۴۵۳/۱) به گفته ابن جوزی، جلال الدوله در کربلا از جلو قبرستان پابرهنه شد و در کوفه از خندق شهر که یک فرسنگ تا مشهد امیر مؤمنان (ع) فاصله بود با پای برهنه پیمود. (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۷۴/۱۵) عضدالدوله با تعمیر اماکن مقدسه مدینه و کربلا و نجف زمینه را برای حضور بیشتر زائران فراهم کرد و مشکلات زوار را بر طرف نمود. چنان که در سال ۳۶۹ق، متعرضین زوار امام حسین (ع) را سرکوب کرد. (مسکویه، ۱۳۷۶: ۴۸۷/۶)

رکن الدوله هم، زمانی که شیخ صدوق را به ری دعوت کرد برای زیارت مرقد مطهر امام رضا (ع) به خراسان رفته بود و آن طور که خود به شیخ صدوق گفته بود از آن امام همام، حاجت گرفته بود. در این سفرهای زیارتی، معمولاً آل بویه به همراه فرزندان و یاران خود به زیارت مشرف می شدند.

۵) گفتن جمله ی «حی علی خیر العمل» در اذان از شعارهای بارز شیعه است و در هر شهر یا ناحیه ای که در اذان در بالای مناره و با صدای بلند، جمله مذکور گفته شود، مردم آن منطقه پیرو مذهب تشیع هستند. در گذشته هم هرگاه یک حکومت شیعی مذهب بر شهری غلبه می یافت، یکی از اولین کارهای آن حکومت، این بود که به مؤذن ها دستور می داد، در مناره ها در اذان، جمله حی علی خیرالعمل بگویند. همان طور که پس از غلبه فاطمیان بر مصر این شعار در آن جا برقرار گردید. در دوران حکومت آل بویه، این شعار برقرار بود هرچند گاهی هم منع می شد، تنوخی این موضوع را در نشوار المحاضره آورده و گفته

است که مؤذنی در محله قطعیه بغداد (کاظمین فعلی) در اذان جمله حی علی خیر العمل را ادا می کرد. (تنوخی، ۱۳۹۱: ۱۳۳/۲)

هم چنین در این دوران جمله أَشْهَدُ أَنَّ عَلِیاً وَلِیَ اللَّهِ در اذان گفته می شد. ذکر این جمله در اذان بیانگر اعتقاد راستین به ولایت و امامت حضرت علی(ع) بعد از پیامبر(ص) می باشد که تا پایان حکومت آل بویه ادامه داشت. ولی از سال ۴۴۸ ق یعنی زمانی که طغرل بیگ سلجوقی وارد بغداد شد و حکومت آل بویه را منقرض کرد تا زمان شاه اسماعیل صفوی، به مدت ۵۲۸ سال، گفتن این ذکر در اذان سرزمین های اسلامی حذف شد، تا این که در زمان شاه اسماعیل صفوی به دستور او این جمله ها (حی علی خیر العمل - اشهد ان علیاً ولی الله) در اذان ایران گفته شد. (روملو، ۱۳۵۷: ۶۱/۲)

۶) فضای باز مذهبی که با روی کار آمدن آل بویه در سرزمین های اسلامی و به خصوص در بغداد به وجود آمد، فعالیت شیعیان را شدت بخشید. آن گونه که صاحب نقض بیان می کند، تعدادی از شیعیان در کوچه و بازار راه می افتادند و با صدای خوش و بلند، ابیاتی در منقبت و مدح اهل بیت و ائمه (ع) می خواندند. این افراد را مناقب خوان می گفتند. این کار می توانست مردم و دوستان اهل بیت را به سوی شیعیان متمایل سازد. شیعیان با این روش می خواستند در جامعه آن روزگار که اکثریت از آن اهل سنت بود، مذهب و اعتقادات خود را به اثبات برسانند و افرادی را به سوی خود جذب و جلب نمایند. (قزوینی رازی، ۱۳۸۵: ۷۷)

تأثیر مناقب خوانی بر اثر گذشت زمان در ذهن فرهنگی جامعه آن روزگار عمیق تر شد و جلوه های از اشتیاق شیعیان نسبت به مذهب خویش و دوستداری اهل بیت گردید. ابن جوزی از مناقب خوانانی یاد کرده که در بغداد و به خصوص محله کرخ، فعالیت داشته اند. (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۷۲/۸)

این گروه، اعتقاد راسخی به مذهب تشیع داشتند و دوستدار حقیقی ائمه(ع) نیز بودند، زیرا با این که همیشه در معرض ضرب و شتم بودند، دست از مناقب خوانی بر نداشته و خطر را به جان می خریدند و لذا دچار رنج و سختی هم می شدند. برای مثال، بوطالب مناقبی از

مناقب خوانان معروف بود که سلقم دختر ملک‌شاه (که زوجه اصفه‌دعلی در ساری بود) دستور داد زبان او را بریدند، ولی این کار او را از مناقب خوانی باز نداشت و تا آخر عمر در شهرهای مختلف ایران به مناقب خوانی پرداخت. (قزوینی رازی، ۱۳۸۵: ۱۱۰-۱۰۸)

با این توصیف گروهی از شیعیان برای این که کمتر از طرف اهل سنت مورد اذیت و آزار قرار گیرند، خود را به دیوانگی می زدند، لباس مندرس به تن می کردند و ریش خود را می تراشیدند و در کوچه و بازار حرکت می کردند و هرچه در مناقب و مثالب اهل بیت و ائمه (ع) می دانستند، می گفتند. اهل سنت به حساب دیوانگی آن‌ها، کمتر متعرض شان می شدند. هر چند بعدها بین دو گروه مناقب خوان و فضل خوان که به ترتیب شیعه و سنی بودند درگیری و زدوخوردهای زیادی به وجود آمد. (مقدس، ۱۳۶۱: ۶۲۳/۱)

به نظر می رسد که شکل گیری پرده خوانی که تا این اواخر هم در جامعه رایج بوده، ریشه در سنت مناقب خوانی داشته است.

سلاطین بویهی اهمیت خاصی به مناقب خوانی و مناقب خوانان می دادند، چون تأثیر فرهنگی زیادی بر شیعیان و دوستان اهل بیت بجا می گذاشت. عشق و علاقه به ائمه (ع) و مذهب شیعه، پایداری در مقابل مخالفان، گسترش تشیع و ... از آثار فعالیت این گروه بود.

مناقب خوانان در طول حکومت آل بویه از حمایت های مادی و معنوی این خاندان بهره می بردند، هرچند هدف آنان امری بالاتر از این بود.

(۷) یکی دیگر از اقدامات امرای بویهی در جهت حمایت از فرهنگ تشیع، توجه به علویان بود. مهم ترین اقدام معز الدوله در این باره، احیای منصب نقابت با حضور علویان بود. نقیب به کسی اطلاق می شود که سرپرستی تمام مردان و زنانی را که نسبشان به حضرت ابوطالب و امیر مؤمنان (ع) می رسد عهده دار شود.

از زمان معتضد عباسی که توجه و احترام به علویان آغاز گردید، دستور داد از میان آنان سرپرست و نقیبی تعیین گردد. (قرطبی، ۱۴۰۹: ۳۳) این اولین بار بود که چنین امتیازی به علویان داده می شد. منصب نقابت معمولاً از جانب خلیفه به شریف ترین و دانشمندترین

نقش حکومت آل بویه در توسعه فرهنگ شیعی ۱۲۷

فرد از سادات واگذار می شد. نقیب در اکثر شهرها که گروهی سادات می زیستند وجود داشت. گاهی یک نقیب برای سرپرستی سادات یک ایالت یا منطقه برگزیده می شد و گاهی نقیب بغداد بر نقیب های دیگر شهرها نظارت داشت که به چنین نقیبی عنوان «نقیب النقباء» داده می شد.

از زمانی که احمد معزالدوله وارد بغداد شد و عملاً قدرت دستگاه خلافت عباسی را در اختیار گرفت، توجه خاصی به علویان نمود. او مقام نقابت را با پشتوانه محکم تری احیا کرد و بدین وسیله منصب نقابت علویان رونق گرفت. به استنباط مفیزالله کبیر معزالدوله برای این منظور تصمیم گرفت علویان را از حوزه قدرت قضایی نقیب عباسی خارج سازد و حقوق ویژه ای برای آنان در نظر بگیرد که در نهایت حقوق خاصی در دولت برای آنان تعیین کرد. (کبیر، ۱۳۸۴: ۲۸۹)

آن گونه که در تاریخ قم آمده، ابو محمد حسن بن ابی هاشم از اخلاف امام حسن (ع) به دستور معزالدوله از قم به بصره رفت و نقابت سادات را بر عهده گرفت. (حسن قمی، ۱۳۶۱: ۲۰۸) ابن جوزی هم نقل می کند که بهاء الدوله، نقابت علویان بغداد را به ابواحمد موسی از نوادگان امام هفتم سپرد که این منصب به وسیله قادر عباسی مورد تأیید قرار گرفت. (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵۳/۷)

مدتی بعد از مرگ ابواحمد موسوی، بهاء الدوله با وجود دشمنی عده ای با سید رضی، سرانجام نظارت بر امور علویان را در سراسر مملکت به وی سپرد. ابن خلکان نیز می نویسد: «پدر سید رضی که نقابت طالبیان را داشت، تمام وظایف خویش را در حالی که زنده بود در سال ۳۸۸ ق. به فرزندش رضی محول کرد». (ابن خلکان، ۱۳۶۷: ۴۴/۴) در سال ۴۰۳ ق. سید رضی به نقابت علویان بغداد و سایر ممالک برگزیده شد و فرمان نقابت وی در حضور اعیان و بزرگان در منزل فخر الملک وزیر بهاء الدوله قرائت گردید و علاوه بر منصب نقابت، امیری حج، ریاست دیوان مظالم و فرمانروایی حرمین نیز به او سپرده شد. (ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۵/۲۸)

پس از درگذشت سید رضی، نقابت علویان به مدت سی سال به برادرش سید مرتضی

واگذار شد. او هم چنین سرپرستی سادات، امارت حج و رسیدگی به امور زائران خانه خدا و ریاست دیوان مظالم را (که مانند دیوان عالی امروزه بود) در دست داشت. (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۷۶/۷)

در دوره تسلط آل بویه بر بغداد، علویان و پیروان آنها، آزادی عمل نسبی به دست آوردند و توانستند مانند پیروان سایر مذاهب، مدارس ویژه شیعه تأسیس کنند و درباره عقاید و مذهب خویش به تألیف کتاب اقدام نمایند و نقابت سادات را عهده دار شوند.

روند حمایت از علویان در طول حکومت آل بویه تداوم داشت و امرای بویهی با احیاء منصب نقابت، احساس کردند که حقوق پایمال شده علویان ترمیم می گردد، حقوقی که قبل از آن در پیچ و خم حکومت بنی عباس نادیده گرفته می شد. این بود که در فرصت های مناسب چه از طریق ایجاد مناصب اجتماعی مانند نقابت و چه از طریق دیگر در احقاق حقوق علویان می کوشیدند و همواره علویان را گرامی می داشتند و در رفع نیازها و خواسته های آنها تلاش درخور شایسته ای انجام می دادند. علویان نیز با حمایت امرای آل بویه توانستند با حضور فعال در جامعه در تعمیق فرهنگ شیعی تلاش های مؤثری را از خود نشان دهند.

۸) استفاده از مهر نماز، به خصوص مَهْری که از تربت امام حسین (ع) ساخته شده باشد از دیگر اقدامات شیعی آل بویه محسوب می شود. در دوران آل بویه، افرادی بودند که از تربت امام حسین (ع) تسبیح و مهر تهیه می کردند و به مردم هدیه می دادند. (ثعالبی، بی تا: ۱۸۳/۳) در حالی که پیش از آن، این کار جرم محسوب می شد و خلیفه عباسی به شدت با آن مقابله می کرد. چنانچه در سال ۳۱۳، دستگیری ۳۰ تن از نمازگزاران مسجد برائا که مهرهایی از گل منقوش به نام امام حسین (ع) همراه داشتند باعث تخریب آن مسجد به دستور خلیفه وقت گردید. (متز، ۱۳۶۴: ۸۶/۱)

۹) اقدام دیگر امرای بویهی در جهت ترویج فرهنگ شیعه، رواج متعه یا ازدواج موقت در این دوران است. شیعه و سنی متفقاً به حکم رسول خدا (ص)، نکاح متعه را حلال دانسته ولی در منسوخ شدن آن اختلاف نظر دارند. اهل سنت اعتقاد دارند که متعه، اول حلال بوده

و بعد باطل و حرام گردید. اما شیعه امامیه می گوید، نسخ آن ثابت نشده، حلال بوده و تا قیامت هم حلال است و آن چیزی که شیعه امامیه به آن استدلال کرده، آیه ی ۲۴ از سوره مبارکه نساء است. (مغنیه، ۱۳۸۲: ۳۰۵) آقای قرائتی در تفسیر این آیه می نویسد: جمله «فما استمتعتم به منهن فاتوهن أجورهن» به فرموده اهل بیت و اکثر تفاسیر اهل سنت، مربوط به ازدواج موقت است که خلیفه دوم آن را حرام کرد، با آن که کسی حق تحریم حکم خدا را ندارد. (قرائتی، ۱۳۷۵: ۲۶۷/۲). زیدیه هم مانند اهل سنت به تحریم نکاح متعه اعتقاد دارند و لذا متعه از اختصاصات شیعه امامیه محسوب می گردد. ابن جوزی گزارش جالبی در این باره آورده و می نویسد: «زمانی که سلطان محمود غزنوی وارد ری شد و به حکومت آل بویه پایان داد، وارد حرمرای مجدالدوله شد و مشاهده کرد که بیش از پنجاه زن آزاد در آنجاست. وی زمانی که از علت ماجرا پرسید، در پاسخ شنید که رسم آل بویه بر همین جاری بوده است». (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۹۶/۱۵)

۱۰) عضدالدوله قدرت مندترین امیر بویهی زمانی که حکومت شیراز را در اختیار داشت دستور داد در تخت جمشید کتیبه ای حک کنند و نام دوازده امام معصوم (ع) را همراه با تحیات مرسوم در آن ذکر نمایند. (کرم، ۱۳۷۵: ۸۲)

۱۱) امرای بویهی هم چنین برای اینکه نهایت ارادات خود را به ائمه شیعه نشان دهند، وصیت می کردند که بعد از مرگ در جوار مرقد ائمه (ع) دفن شوند. معزالدوله در کاظمین دفن شد. (فقیهی، بی تا: ۱۲۵) هنگامی که عضدالدوله در گذشت، وی را در مشهد امیر مؤمنان (ع) دفن کردند. (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۵۱۱۵/۱۲) شرفالدوله و صمصامالدوله هم در کنار پدرشان عضدالدوله، دفن شدند. (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۵۲۶۰/۱۲) و جلالالدوله در کاظمین (قبرستان قریش) به خاک سپرده شد. (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۱۸/۸)

امرای بویهی، عشق و علاقه خود را به ائمه اطهار (ع) با سفارش به دفن اجساد خود در کنار قبور مطهر (ع) به اثبات رساندند و از آن به بعد انتقال اجساد و استخوان های اموات شیعیان از نقاط مختلف سرزمین های شیعه نشین به جوار آرامگاه امامان معصوم (ع) معمول شد و هنوز هم تداوم دارد.

۱۲) وقف و نذر دو فرهنگ اصیل شیعی می باشد که امرای آل بویه در ترویج آن می-کوشیدند و موقوفات و نذورات زیادی به قبور ائمه (ع) و امام زادگان و علویان می نمودند. معزالدوله بعد از فتح بغداد، چون سالم از قصر خلیفه بیرون آمد، به شکرانه سلامتی، ده هزار درهم نزد نقیب آل ایطالب فرستاد تا میان علویان تقسیم نماید. از میان آل بویه، عضدالدوله زیاد نذر می کرد، از جمله هزار درهم نذر صندوق قبر عیدالله بن محمد بن عمر بن علی (ع) کرد. (خطیب بغدادی، بی تا: ۱/۲۴۴) امرای بویه هم چنین در محله هایی از بغداد مانند رصافه و باب الطاق، قبه ها و خیمه هایی جهت استفاده زوار امام حسین (ع) ایجاد کردند. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۳۳۲)

اقدامات امرای آل بویه در جهت توسعه و ترویج فرهنگ شیعی در طول بیش از یک قرن حکومت آن ها کم و بیش ادامه داشت، تا این که این حکومت شیعی در سال ۴۴۸ ق توسط غزنویان و سلاجقه که هر دو سنی مذهب بودند منقرض گردید و شعارهای شیعه به مدت ۵۲۸ سال یعنی تا زمان شاه اسماعیل صفوی مسکوت ماند.

نتیجه گیری

یکی از پیامدهای تضعیف خلافت عباسی روی کار آمدن حکومت ایرانی- شیعی آل بویه بود که تسلط آنها بر خلفای عباسی باعث محدود شدن شدید قدرت دنیوی و معنوی آنها پس از چند قرن شد. امرای آل بویه ترازوی قدرت حکومت و جامعه اسلامی را به نفع تشیع و شیعیان پس از سالیان سنگین تر نمودند

قبل از روی کار آمدن بویهیان، شیعیان اجازه نداشتند مراسم مذهبی خود را به صورت آشکار انجام دهند و حقوق آن ها توسط خلفای عباسی پایمال می شد. اما با تأسیس این حکومت شیعی مستقل، دستگاه خلافت تحت سیطره آل بویه درآمد و شیعیان توانستند شعارهای مذهبی خود را به صورت رسمی و آشکار در مرکز خلافت و سایر مناطق تحت نفوذ برگزار نمایند و عظمت دفاع از فرهنگ شیعی در ابعاد مختلف آن توسط امرای آل بویه به اوج خود رسید.

منابع

۱. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد شیبانی جرزى (۱۳۸۲) تاریخ کامل، ترجمه حمید رضا آذیر، ج ۱۲، تهران، اساطیر.
۲. ابن تغری بردی، جمال الدین یوسف (بی تا) النجوم الزاهره فی الملوك المصر و القاهرة، ج ۶، قاهره، مؤسسه المصریة العامه.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ ق) المنتظم فی التاریخ الامم و الملوك، ج ۷، ۱۱، ۱۶، ۱۵، تحقیق عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴. ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۳۶۷ ق) وفيات الاعیان، ج ۴، قاهره، مکتبه النهضه المصریه.
۵. ابن زهره، محمد (۱۳۸۲ ق) غایه الاختصار فی بیوتات العلویه المحفوظه من الغبار، تحقیق سید محمد باقر بحر العلوم، نجف، بی تا.
۶. آملی، اولیاءالله (۱۳۴۸۹) تاریخ رویان، تصحیح دکتر منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ.
۷. ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (بی تا) یتیمه الدهر، ج ۳، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۸. حسن قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱) تاریخ قم، ترجمه حسن بن عبد الملک قمی، تهران، توس.
۹. خطیب بغدادی، احمد بن علی (بی تا) تاریخ بغداد، ج ۱، بیروت، دارالکتب العربیه.
۱۰. ذهبی، ابو عبدالله شمس الدین محمد الحافظ (۱۴۰۵ ق) دول الاسلام، ج ۲۸، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۱۱. روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷) احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، ج ۲، تهران، بابک.
۱۲. فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۶) آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، تهران، صبا.
۱۳. فقیهی، علی اصغر (بی تا) شاهنشاهی عضدالدوله، تهران، مطبوعات اسماعیلیان.
۱۴. فقیهی، علی اصغر (۱۳۸۳) آل بویه، تهران، انتشارات سمت.
۱۵. قرطبی، عریب بن سعد (۱۴۰۹ ق) صله تاریخ طبری، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۱۶. قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۸۵) نقض، تصحیح محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی.
۱۷. کبیر، مفیزالله (۱۳۸۱) آل بویه در بغداد، ترجمه مهدی افشار، تهران، سمت.

۱۳۲ پژوهش‌های علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۲۱

۱۸. متز، آدام (۱۳۶۴) تمدن اسلامی در قرن چهارم، ترجمه علیرضا ذکاوتی، ج ۱، تهران، امیر کبیر.
۱۹. مرعشی، سید ظهیر الدین (بی تا) تاریخ گیلان و دیلمستان، تصحیح دکتر منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ.
۲۰. مستوفی قزوینی، حمد الله بن ابی بکر، (۱۳۳۹) تاریخ گزیده، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوابی، تهران، امیر کبیر.
۲۱. مسکویه، ابو علی احمد بن محمد، (۱۳۷۶) تجارب الامم، ترجمه علینقی منزوی، ج ۶، تهران، توس.
۲۲. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱) احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، ج ۱ و ۲، تهران، شرکت مؤلفان.
۲۳. همدانی، محمد بن عبد الملک، (۱۹۶۱ م) تکریمه تاریخ طبری، ج ۱، بیروت، مطبعة الکاتولیکه.
۲۴. تنوخ، قاضی بیگ (۱۳۹۱ ق) نشوار المحاضره و اخبار المذاکره، تحقیق عبود شالچی، ج ۲، بیروت، بی نا.
۲۵. قرائتی، محسن، (۱۳۷۵) تفسیر نور، ج ۲، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۶. کاهن، کلود، (۱۳۸۴) بویه‌یان، ترجمه دکتر یعقوب آژند، تهران، مولی.
۲۷. کرمر، جوئل. ل (۱۳۷۵)، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه محمد سعید حنایی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۸. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۸۲) الفقه علی المذاهب الخمسه، ترجمه معصومه رضاپور، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری بشیر علم و ادب.